



نشریه ماهانه:
3rd Series, Issue 67
سری سوم، شماره 67
97 آبان ماه، Oktober 2018

سردبیر: مینو همتی
Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com
مدیرمسئول: شراره رضایی
Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



مطالب

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران هفته گذشته معلمان را به تحصن در دفاتر مدارس فراخواند/ گزارشی از سازمان رهایی زن

حکم اعدام ابزار شکنجه اسلامی! / مینرا صوفی مجیدپور

برای مادرم / نوشته ی آتنا دانمی

گزارشی تصویری از همبستگی با اعتصابات معلمان ایران در شهر شتوتگارت آلمان

کمپنه زنان ضد سنگسار پاریس برگزار می کند نمایش فیلم "تهران تابو"

فصلی جدید از مبارزات دختران آگاه / سحر صامت

بررسی نقش قوانین خشونت آمیز علیه زنان / مریم مرادی

در یکسالگی #METOO نگاه ما به مقوله آزار جنسی زنان چقدر تغییر کرده است؟ / فریبا مرادی پور

ادیان و همجنس گرایی / اصغر کامروا

سفره کارگر خالی ست / سحر باباسجلی

شعر: ازدواج با دختر خوانده / سروده ای از: مهران رضائی گیوی

برشور روز جهانی منع خشونت برزنان در شهر شتوتگارت آلمان

سیاست های ماهنامه رهایی زن

صفحه خیری

- شلاق زدن دو زن افغان توسط طالبان به جرم تماس تلفنی و صحبت با مرد
- مرگ دردناک هاتیه و فاطمه خواهران خردسال اهوازی
- دختر معترض به "حجاب اجباری" در میدان انقلاب تهران "دختران خیابان انقلاب"
- خدمات جنسی دختران ایرانی به عراقی ها در مشهد" و کیفرخواست برای روزنامه ی شرق و شهروند

راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، نشریه ها و تلگرام



به نشریه رهایی زن بپیوندید

لطفا برای ارسال مقاله سیاست های نشریه مندرج در صفحه ی آخر را مطالعه بفرمایید.

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان...، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.

Markazi@RahaiZan.org

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران هفته گذشته معلمان را به تحصن در دفاتر مدارس فراخواند/ گزارش از سازمان رهایی زن

و نیم زندان، دو سال ممنوعیت فعالیت سیاسی و اجتماعی و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرده است.

علاوه بر او، شش تن دیگر از بازداشت شدگان این تجمع نیز به ۹ ماه زندان و جریمه نقدی بدل از ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند. محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عابدی، روح‌الله مردانی، علی‌اکبر باغبانی، بختیار عارفی و محمد ثانی از دیگر فعالان صنفی معلمان نیز هم پیشتر و به زندان یا تبعید محکوم شده‌اند.

عباس واحدیان و محمدصالح شکری نیز هفته گذشته در مشهد و سقز توسط ماموران امنیتی بازداشت شدند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران هفته گذشته معلمان را به تحصن در دفاتر مدارس فراخواند.

این شورا عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، اعمال نشدن رتبه‌بندی برای معلمان، عدم افزایش دستمزد معلمان و تاراج صندوق ذخیره فرهنگیان را از دلایل این تحصن برشمرده است.

معلمان همچنان خواهان رفع تبعیض از ساختار نظام آموزشی، آزادی معلمان زندانی، برخورداری از حق تشکلیابی و حق اعتصاب، پایان‌یافتن نقض حق تحصیل رایگان همگانی و برخورداری از بیمه کارآمد و فراگیر هستند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران اعلام کرده که این تحصن دو روزه خواهد بود و در صورتی که مسئولان آموزش و پرورش پاسخ مناسبی به خواسته‌های معلمان ندهند، در آبان گسترده‌تر خواهد شد.

معلمان ایران ۲۰ اردیبهشت امسال نیز در اعتراض به وضعیت معیشتی و کالایی سازی آموزش و پرورش مقابل ساختمان سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. در جریان این تجمع شماری از معلمان بازداشت شدند.

محمد حبیبی عضو کانون صنفی معلمان تهران، یکی از بازداشت شدگان آن روز، از آن زمان در زندان نگهداری می‌شود. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی حبیبی را به ۷ سال و نیم زندان، دو سال ممنوعیت فعالیت سیاسی و اجتماعی و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرده است.

علاوه بر او، شش تن دیگر از بازداشت شدگان این تجمع نیز به ۹ ماه زندان و جریمه نقدی بدل از ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند.

محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عابدی، روح‌الله مردانی، علی‌اکبر باغبانی، بختیار عارفی و محمد ثانی از دیگر فعالان صنفی معلمان نیز هم پیشتر و به زندان یا تبعید محکوم شده‌اند.

عباس واحدیان و محمدصالح شکری نیز هفته گذشته در مشهد و سقز توسط ماموران امنیتی بازداشت شدند.



روح‌الله مردانی، علی‌اکبر باغبانی، بختیار عارفی و محمد ثانی از دیگر فعالان صنفی معلمان نیز هم پیشتر و به زندان یا تبعید محکوم شده‌اند.

عباس واحدیان و محمدصالح شکری نیز هفته گذشته در مشهد و سقز توسط ماموران امنیتی بازداشت شدند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران هفته گذشته معلمان را به تحصن در دفاتر مدارس فراخواند.

این شورا عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، اعمال نشدن رتبه‌بندی برای معلمان، عدم افزایش دستمزد معلمان و تاراج صندوق ذخیره فرهنگیان را از دلایل این تحصن برشمرده است.

معلمان همچنان خواهان رفع تبعیض از ساختار نظام آموزشی، آزادی معلمان زندانی، برخورداری از حق تشکلیابی و حق اعتصاب، پایان‌یافتن نقض حق تحصیل رایگان همگانی و برخورداری از بیمه کارآمد و فراگیر هستند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران اعلام کرده که این تحصن دو روزه خواهد بود و در صورتی که مسئولان آموزش و پرورش پاسخ مناسبی به خواسته‌های معلمان ندهند، در آبان گسترده‌تر خواهد شد.

معلمان ایران ۲۰ اردیبهشت امسال نیز در اعتراض به وضعیت معیشتی و کالایی سازی آموزش و پرورش مقابل ساختمان سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. در جریان این تجمع شماری از معلمان بازداشت شدند.

محمد حبیبی عضو کانون صنفی معلمان تهران، یکی از بازداشت شدگان آن روز، از آن زمان در زندان نگهداری می‌شود. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی حبیبی را به ۷ سال

[بازتاب اعتصاب سراسری معلمان و مطالبات برحق و فوری آنان

<https://youtu.be/dEJfEZACUqo>

این شورا عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، اعمال نشدن رتبه‌بندی برای معلمان، عدم افزایش دستمزد معلمان و تاراج صندوق ذخیره فرهنگیان را از دلایل این تحصن برشمرده است.

معلمان همچنان خواهان رفع تبعیض از ساختار نظام آموزشی، آزادی معلمان زندانی، برخورداری از حق تشکلیابی و حق اعتصاب، پایان‌یافتن نقض حق تحصیل رایگان همگانی و برخورداری از بیمه کارآمد و فراگیر هستند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران اعلام کرده که این تحصن دو روزه خواهد بود و در صورتی که مسئولان آموزش و پرورش پاسخ مناسبی به خواسته‌های معلمان ندهند، در آبان گسترده‌تر خواهد شد.

معلمان ایران ۲۰ اردیبهشت امسال نیز در اعتراض به وضعیت معیشتی و کالایی سازی آموزش و پرورش مقابل ساختمان سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. در جریان این تجمع شماری از معلمان بازداشت شدند.

محمد حبیبی عضو کانون صنفی معلمان تهران، یکی از بازداشت شدگان آن روز، از آن زمان در زندان نگهداری می‌شود. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی حبیبی را به ۷ سال و نیم زندان، دو سال ممنوعیت فعالیت سیاسی و اجتماعی و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرده است.

علاوه بر او، شش تن دیگر از بازداشت شدگان این تجمع نیز به ۹ ماه زندان و جریمه نقدی بدل از ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند.

محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عابدی،

حکم اعدام ابزار شکنجه اسلامی!
میترا صوفی مجیدپور

**به مناسبت دهم اکتبر،
روز جهانی مقابله با اعدام**

در حاکمیت جمهوری اسلامی قانون اعدام از این روی همواره پابرجا است که می تواند به وسیله این قانون مردم را مرعوب و مطیع خود کند. این خود به اندازه کافی گواه این است که موضوعیت قوانین اسلامی آسایش و رفاه مردم نیست بلکه وسیله به انقیاد کشاندن آنهاست.

حکم اعدام نمی تواند مجازات به شمار آید؛ حداقل به این دلیل که مجازات شونده دیگر فرصت اصلاح خود را از دست می دهد. آمارها نشان می دهد که این نوع مجازات تاثیر بازدارنده در جامعه نیز ندارد و اگر داشت همه جرم های شامل مجازات اعدام کاهش پیدا می کرد. اما واقعیت تلخ نشان می دهد که با وجود چنین مجازاتی باز دقیقا همان جرم ها به طور فزاینده ای گسترش پیدا کرده است.

مجازات اعدام انعکاسی از احکام و قوانین ظالمانه اسلامی است و حتی اگر به این وسیله بتوان مردم را مطیع قوانین کرد، در حقیقت این صحت و اصولیت احکام اسلامی نیست که مردم را به خود جلب می کند بلکه وحشت و ترس است که مردم را وادار به اطاعت از قوانین اسلامی می کند. بدیهی است ترس در اثر تکرار دائمی به سنت و عرف تبدیل شده و پس از یک دوره طولانی این تصور غلط را بوجود می آورد که گویا

مردمان مسلمان داوطلبانه و به دلیل "سعادت بخشی" دین اسلام است که به آن روی آورده اند.

حاکمیت اسلامی از فشارهای فراوان، از جمله ایجاد وحشت از مجازات اعدام سعی می کند بر جامعه استیلا پیدا کند در حالی که یک دین نجات بخش باید بنا به ذات سعادت بخش خود داوطلبین فراوانی را به خود جلب کند. مجازات اعدام در عین حال نوعی شکنجه محسوب می شود. به خصوص وقتی مجازات شونده باید مدت طولانی پس از دریافت حکم اعدام در کابوس و فشار مضاعف روحی به سر برد. و بدتر از همه این که به روش قرون وسطایی باید از یک طناب آویزان گردد و تا واپسین لحظه حیاتش زجر بکشد. این به روشنی بیانگر شدت قساوت و بی رحمی احکام اسلامی است که بخشش در آن بسیار کم یاب و احکام سنگین اعدام و سنگسار و سایر موارد غیر متعارف و غیر انسانی به وفور یافت می شود.

مجازات اعدام، آن هم در ملاء عام، اعم از نگاه یک کودک یا زن باردار و غیره به قصد مطیع کردن همان مردم است و این خود به اندازه کافی نشانگر قربانی کردن یک فرد برای این هدف است. درست به همین دلیل مجازات شونده که خود نمی فهمد برای چه به این شدت مجازات می شود در می یابد که او یک قربانی است. حکم اعدام که جستجوگر قربانی های خود در میان جرائم معمول است همواره شامل محروم ترین اقشار جامعه می شود. یک روحانی با

هر درجه تبهکاری و بزهکاری هرگز با چنین حکمی روبرو نمی شود زیرا از نظر قوانین اسلامی یک روحانی حتی اگر جنایتکار باشد فردی معرفی می شود برای ارشاد مردم و دعوت آنها از پرهیز کردن به گناه. این به خوبی نشان می دهد که مجازات اعدام قرار است افراد عادی جامعه را تحت تسلط قوانین اسلامی قرار دهد و یک روحانی که وظیفه مسلط کردن قوانین اسلامی بر جامعه را دارد هرگز خود طعمه یا قربانی همان مجازات نخواهد شد.

مجازات اعدام یکی از مخوف ترین ابزار دین اسلام از دوره محمد تا کنون بوده و موضوعی تنها مربوط به پیدایش حکومت اسلامی در ایران یا عربستان و داعش و طالبان نیست. اساس اسلام با قدرت شمشیر و سربریدن بنا نهاده شده و همین که این قانون و سایر قوانین بربریت اسلامی از آن حذف شود دیگر چیزی از اسلام باقی نخواهد ماند تا بتواند مردمان را مطیع خود کند. قانون مجازات اعدام نه تنها مربوط به احکام الهی نیست بلکه بیانگر بی منطقی و جباریت ادیانی مانند اسلام است که اگر این اهرم را بر زمین گذارد فلسفه ی وجود خود را نیز بی پایه و بنیاد خواهد کرد. مجازات اعدام در مقابل جرم و جنایت در جامعه خود یک جنایت در مقام دولتی است و در نتیجه قانون اعدام در حکومت جمهوری اسلامی بیانگر واضح جنایتکاری این حکومت است. نابود باد قوانین ظالمانه اسلامی و در مرکز آن مجازات اعدام.

"برای مادرم" آتنا دائمی



۴ سال پیش در همین روز، در صبح سرد ۲۹ مهر ۹۳ عازم محل کارم بودم، رفته بودی برایمان نان داغ بخری، دیرم شده بود و بی آنکه ببینمت با پدر از خانه خارج شدیم، هنوز به انتهای کوچه نرسیده بودیم که راهمان را بستند، دستور ایست دادند، باز داشتتم کردند، مرا به ماشین دیگری منتقل کردند، با پدر به خانه برگشتند، ۱ نفر، نمیدانستم وقتی به خانه برگردی و با ماموران مواجه شوی چه می شود، بعد از یک ساعت مرا نیز به خانه آوردند، از دیدنت شوکه شدم، از فریادهایت بر سر ماموران شوکه شدم، میگفتی ببرید دختر مرا هم ببرید این همه جوان را بردید به کجا رسیدید؟! اصلا بکشید دختر مرا هم بکشید ستار بهشتی و جوانان دیگر را کشتید چه به دست آوردید؟! تهدیدت کردند که تو را هم بازداشت خواهند کرد، یادم هست که گفתי مرا هم ببرید مگر کم مادران را زندانی و عزادار کردید؟!

گمان میکردم که بترسی اما نترسیدی، گمان میکردم مرا سرزنش کنی اما نکردی، مرا بوسیدی به زبان خودمان گفתי برو اولین بار است که شب در خانه نخواهی بود اما من در کنارت هستم تا دیگر هیچ فرزندی را از مادر جدا نکنند... باری از دوشم برداشتی، انگار ۲۱ سال پرواز به من هدیه دادی! رفتم و تو لحظه ای تنهائیم نگذاشتی، بیشتر از هر زمان دیگر با هم بودیم، همراه، متحد!

حکم ۱۴ سال که صادر شد، صورتت در دادگاه انقلاب یادم هست که با خنده و تمسخر گفתי ۱۴ سال که چیزی نیست ما فکر میکردیم اعدام صادر کنند! می دانستم پشتت لرزید اما خم به ابرو نیاوردی!

بعد از ۱۶ ماه به خانه بازگشتم، حالت خوب بود اما میدانستی ماندنی نیستم. باز هم آمدند، بعد از ۹ ماه، تهران نبود، زنگ زد، مامان آمدن مرا ببرند!

گفتی صدایت را پخش کنم تا بشنوند، صدایت پخش میشد، فریاد میزدی که از جان بچه های ما چه میخواهید؟ چه کردند؟ چه خواسته اند؟ روزی خواهید رسید که باید پاسخگوی ما مادران باشید...

رفتم، اما برای دو دختر دیگرت هم پرونده تشکیل دادند، حکم دادند، اما تو خندیدی و گفתי بگویم یک سوویت خانوادگی در زندان به ما بدهند همه خانواده را با هم زندانی کنند!

گزارشی تصویری از همبستگی با اعتصابات معلمان ایران در شهر شتوتگارت المان
Ein Bilderbericht von Solidarität mit den Striks der Iranischen Lehrerin in Stuttgart



نگاه زنان به سینما
کمیته زنان ضد سنگسار پاریس برگزار می کند.

نمایش فیلم "تهران تابو"

کارگردان علی سوزنده

یکشنبه چهارم نوامبر ۲۰۱۸

ساعت چهار بعد از ظهر

آدرس:

Bd Vincent Auriol 75013 paris 75

Métro Chevaleret ligne 6

فصلی جدید از مبارزات دختران آگاه
سحر صامت



فیسبوک یکی از محبوب ترین شبکه های اجتماعی در میان مردم افغانستان در سرتاسر جهان است از جایی که مردم بیشتر از سر زدن به منابع خبری برای دریافت اطلاعات تازه از رویدادهای جدید به شبکه ی اجتماعی فیسبوک سر میزنند و اطلاعات خود را بیشتر از آن طریق بروز می کنند. هر کاربری طبق سلیقه علم و منطق خود دنبال مطالب و اطلاعات یا ویدیوهای دلخواه خود می رود. از این رو نیز از سیاستمداران افغانستان گرفته تا فعالین جامعه ی مدنی و غیره بیشترین فعالیت های خود را از طریق همین منبع پیش می برند. در میان آنها دختر جوانی با نشر ویدیوهای خود که آمیخته از طنز و انتقاد از زن ستیزی را منتشر و طرفداران خاص خود را در مدت بسیار کوتاهی پیدا کرد. ناهید احسانی دختری نوجوان اهل غرب افغانستان هرات شهری باستانی با فرهنگی غنی و زنانی آگاه و مبارز داشت اما پس از سالها جنگ و ویروس زن ستیزی در آن منطقه شیوع و جان تعدادی را گرفت. امروزه در این شهر تعداد زیادی از زنان دست به خودسوزی می زنند یا تعدادی از آنها توسط مردان جان های خود را از دست میدهند. اکنون حوزه ی غرب افغانستان به خصوص هرات منطقه ی ناامنی برای زنان است و هر ساله به گونه ی چشمگیری خونت علیه زنان رو به افزایش است. ناهید خود را اینگونه معرفی می کند: نامم ناهید احسانی زرگزاده است متولد شهر هرات، شهری زیبا با آثار باستانی چشمگیر اما از سوی دیگر با چهره زنان سوخته چرا که بیشترین امار خودکشی و خودسوزی زنان را در افغانستان دارد.

دوره ابتدای مکتب را زیر خیمه ها در هوای گرمی ۳۰ درجه هرات و روز های مکتب را با شنیدن داستان های زندگی زنان افغان از زبان هم صنفیان خودم میگذراندم و با تمام وجود اندوهگین شده و به این که چگونه می شود زنان یک جامعه را آگاه کرد فکر می کردم. از دیدگاه من تحصیل یکی از راههای بسیار مناسبی برای رشد زنان در جامعه بود اما به علت جنگ همیشه با کمبود معلم روبرو بودیم روزها و سالهای درسی پشت سر هم سپری میشد اما نه معلمان برنامه ی مشخص برای تدریس داشتند، نه شاگردان به علت مسایل امنیتی می توانستند منظم در کلاس ها حضور داشته باشند و نه کتاب های درسی ما در آخر سال به پایان می رسید. همینگونه سالها را سپری می کردیم و به کلاس های درسی بالاتری راه میافتیم. وی می گوید: من خواندن، نوشتن و ریاضی ابتدای را از اعضای فامیل بیشتر آموختم.

از یک خانواده کم جمعیت هستم و تنها دختر و یک برادر کوچک تر از خودم هم دارم. پایان سال ۲۰۱۲ بود که از بد روزگار به علت جنگ و ناامنی همراه با خانواده به آلمان مهاجرت کردیم البته بیشتر اعضای فامیل ما از بیست سال پیش به اروپا و کانادا



مهاجرت کرده بودند و ما بازماندگان بودیم و دلیل اینکه در اواخر به اروپا مهاجرت کردیم امید مان به بهتر شدن افغانستان و کتاب مکتبی که شاید روزی تدریس های جدی و پلان های درسی بهتری روی دست گرفته شود و بتوانم مصدر خدمت برای مردم شوم، اما تاکنون هیچ تغییری در نظام درسی افغانستان دیده نمی شود گاهی که با دوستانم در افغانستان چت میکنم برای من تعریف میکنند که هنوز هم لای کتاب مکتب باز نمیشود و مدرک لیسانس خرید و فروش

میشود خلاصه با مرور زمان افغانستان روزبروز در انواع فساد به خصوص فساد اداری غرق تر می شود.

از او در مورد درس و تحصیلش پرسیدم: مکتب را تقریباً از دوره ابتدای در آلمان شروع کردم چونکه میدانستم سطح درسی در افغانستان ضعیف است و پایه من هم بسیار ضعیف برای همین تقریباً از نقطه صفر همه چیز را شروع کردم دوباره به آموختن.

سوال بعدی را اینگونه پرسیدم قسمی که خودت در اول گفتگو اشاره کردی هدفت کمک به انسان هاست در آینده چه برنامه یی برای کمک به انسان ها داری؟ ناهید اگر همینگونه با پشتکار در مورد تحصیل پیش برود در آینده ی نزدیک با مدرک لیسانس در رشته ی زنان و زایمان فارغ تحصیل میشود و ناهید میخواهد بیشتر به خودش زحمت بدهد و در آینده دور با اراده محکم و پشت کار قوی تا مقطع دکترا این رشته را پیش ببرد زیرا یکی از مشکلات زنان به خصوص در افغانستان کمبود متخصص در رابطه با زنان و زایمان یا بیماری های مربوط به زنان که امروزه جان هزاران را در آن سرزمین میگیرد.

از او پرسیدم آیا تاکنون فکر کردی وارد دنیای سیاست شوی؟ او به سوالم اینگونه پاسخ داد: بله در اوایل وقتی وارد کشور آلمان شدیم به اینکه باید وارد دنیای سیاست شوم فکر کرده بودم و از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۱۷ عضو حزب CDU بودم اما وقتی فهمیدم از طریق سیاست کاری کرده نمیتوانم از دنیای سیاست خداحافظی کردم چون همزمان به تحصیل در زمینه ی زنان و زایمان و بیماری های مربوط به رحم فکر کرده بودم. امروزه تعداد زیادی از زنان در افغانستان به علت ابتلا به عفونت رحم و یا مبتلا شدن به سرطان دهانه ی رحم جان خود را از دست میدهند دلیلش کمبود متخصص زنان که خودش نیز زن باشد است زیرا آن منطقه چنان در جهل و نادانی فرو رفته که به علت سنتی بودن و سیستم مردسالاری آن جامعه از یک سو اکثر خانواده ها به دختران مجال درس خواندن را نمی دهند و از سوی دیگر زمانی که زنان و یا دختران با مشکلات بیماری های مربوط به دستگاه تناسلی روبرو می شود اکثر آنها حق مراجعه به دکتر مرد را ندارد برای همین مسیرم را جهت کمک به زنان تغییر دادم. از ناهید پرسیدم چه شد که ویدیوهای را تهیه کردی و شخصیتی را انتخاب کردی که از آن طریق هم طرز فکر نادرست زنان را مورد نقد قرار دهی و هم جامعه ی مردسالاری و دولت غرق در فساد را؟

ادامه در صفحه ی 10

بررسی نقش قوانین خشونت آمیز علیه زنان
مریم مرادی



این موضوع را به استناد 3 ماده اول از اعلامیه جهانی حقوق بشر آغاز میکنیم :
ماده 1: تمام افراد بشر، آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند . همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده 2: هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد.

به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومت یا غیر خودمختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده 3: هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

همانگونه که مشهود است ، تضادهای حقوقی و قانونی هم در ایران کم نیستند؛ با وجود ادعاهای حکومت، قوانین تبعیض آمیز بسیاری هم چنان علیه زنان در قلمروهای مختلفی هم چون «قانون خانواده»، «قانون ارث»، «قانون مجازات اسلامی» و ... وجود دارد.

حال نگاهی به قوانین تبعض آمیز علیه زنان در جمهوری اسلامی ایران میپردازیم :

طبق اصل 20 همه افراد ملت اعم از زن و مرد، در برابر قانون برابرند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

طبق اصل 21، «دولت موظف است حقوق

زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.»

اما قید شرط «موازین اسلامی» روزنه پیاپی کردن همه افکار ارتجاعی این رژیم علیه زنان در سایر قوانین است. آنها همین زن ستیزی را در بند بند همه قوانین دیگر و همچنین در شکافها و پیچ های موجود در قوانین خود نهادینه کرده اند.

قانون مدنی رژیم زنان را قانوناً به صورت برده مرد تعریف می کند.

طبق ماده 1210 سن بلوغ برای دختر 9 سال قمری و برای پسر 15 سال است. علاوه بر آن در ماده 1041 ازدواج دختر بچه ها قبل از 13 سالگی با اجازه ولی مجاز است.

مطابق ماده 1105 «قانون مدنی»، ریاست خانواده از خصایص مرد است. همین ماده می تواند نشان گر نابرابری حقوقی در روابط بین زن و شوهر باشد.

بر اساس همین قانون، حق تعیین مسکن هم با مرد است، همان طور که ماده 1117 این قانون نیز می گوید: «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.»

قانون مدنی حق طلاق را هم در اختیار مرد گذاشته است هر چند زن نیز می تواند تحت شرایطی از دادگاه تقاضای طلاق کند. از جمله این شرایط آن است که زن بتواند در دادگاه ثابت کند که ادامه زندگی زناشویی موجب «عسر و حرج» وی می شود.

ماده 1114 زن را موظف می کند در منزلی که شوهر تعیین می کند، سکنی گزیند.

طبق مواد 1123 و 1124 مرد می تواند زن خود را به دلایل زیاد از جمله بیماریهای مختلف و نایبانی از هر دو چشم طلاق دهد.

حتی اگر این شرایط برای زن در حال عقد وجود داشته است. در مقابل، طبق قانون مدنی رژیم، زنان برای درخواست طلاق با پیچیدگی های فراوان مواجهند.

عسر و حرج مطابق تبصره ماده 1130 قانون مدنی، به وجود آمدن وضعیتی است که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد. خونوت علیه زنان پدیده ای طبیعی در قوانین جمهوری اسلامی است و با اینکه ضرب و شتم علیه زنان در تبصره ماده 1130 شماره 4 تحت عنوان دلیل موجه برای طلاق نوشته شده، عملاً هیچ حسابرسی قانونی به دنبال ندارد.

قضات همچنین به راحتی چشمان خود را بر معبود قوانین خودشان که به نفع زنان وضع شده باشند، بسته و با توجیه «رعایت موازین اسلامی» زنان را مورد تبعیض مضاعف قرار می دهند.

بنا بر ماده 860 غیر از پدر و جد پدری

کس دیگری حق ندارد بر صغیر وصی معین کند (یعنی حتی مادر چنین حقی ندارد) .

طبق ماده 907 قانون مدنی رژیم در رابطه با سهم الارث، اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر باشند، پسر دو برابر دختر ارث می برد.

بر اساس ماده 1060، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی نداشته باشد موکول به اجازه به خصوص از طرف دولت است.

برخی از مصادیق عسر و حرج مطابق این قانون عبارت هستند از: «ترك زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا 9 ماه متناوب در مدت يك سال بدون عذر موجه»؛ «اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلا وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترك آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترك اعتیاد لازم بوده است. در صورتی که زوج به تعهد خود عمل نکند و یا پس از ترك، دوباره به مصرف موارد مذکور روی آورد، بنا به درخواست زوجه، طلاق انجام خواهد شد»؛ «محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیش تر»؛ «ضرب و شتم یا هرگونه سوء رفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد» و «ابتلا زوج به بیماری های صعب العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه صعب العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید.» (موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر کند.

از سوی دیگر، نه تنها تجاوز به همسر در قوانین ایران جرم شناخته نشده بلکه حتی مطابق قانون مدنی، زن ملزم به تمکین جنسی از همسرش است و چنان چه بدون مانع مشروع از انجام وظایف زناشویی خودداری کند، مستحق نفقه نخواهد بود.

مطابق «قانون گذرنامه»، زنان برای دریافت گذرنامه و خروج از کشور نیازمند موافقت کتبی همسر خود هستند.

بر اساس ماده 1168 قانون مدنی، «حضانت» [به معنای پرورش و نگه داری و تربیت جسمی و روحی کودک] هم حق و هم تکلیف والدین است. در صورت جدایی پدر و مادر از یک دیگر، حضانت اطفال تا سن هفت سالگی به مادر واگذار شده پس از آن در صورت بروز اختلاف، با رعایت مصلحت کودک، با نظر دادگاه تعیین می شود.

قوانین حضانت در بسیاری از موارد نسبت به مادر تبعیض آمیز هستند؛ برای نمونه،

ماده 1168 قانون مدنی، «حضانت» [به معنای پرورش و نگه داری و تربیت جسمی و روحی کودک] هم حق و هم تکلیف والدین است. در صورت جدایی پدر و مادر از یک دیگر، حضانت اطفال تا سن هفت سالگی به مادر واگذار شده پس از آن در صورت بروز اختلاف، با رعایت مصلحت کودک، با نظر دادگاه تعیین می شود.

قوانین حضانت در بسیاری از موارد نسبت به مادر تبعیض آمیز هستند؛ برای نمونه،

ماده 1168 قانون مدنی، «حضانت» [به معنای پرورش و نگه داری و تربیت جسمی و روحی کودک] هم حق و هم تکلیف والدین است. در صورت جدایی پدر و مادر از یک دیگر، حضانت اطفال تا سن هفت سالگی به مادر واگذار شده پس از آن در صورت بروز اختلاف، با رعایت مصلحت کودک، با نظر دادگاه تعیین می شود.

قوانین حضانت در بسیاری از موارد نسبت به مادر تبعیض آمیز هستند؛ برای نمونه،

ماده 1168 قانون مدنی، «حضانت» [به معنای پرورش و نگه داری و تربیت جسمی و روحی کودک] هم حق و هم تکلیف والدین است. در صورت جدایی پدر و مادر از یک دیگر، حضانت اطفال تا سن هفت سالگی به مادر واگذار شده پس از آن در صورت بروز اختلاف، با رعایت مصلحت کودک، با نظر دادگاه تعیین می شود.

قوانین حضانت در بسیاری از موارد نسبت به مادر تبعیض آمیز هستند؛ برای نمونه،

ماده 1168 قانون مدنی، «حضانت» [به معنای پرورش و نگه داری و تربیت جسمی و روحی کودک] هم حق و هم تکلیف والدین است. در صورت جدایی پدر و مادر از یک دیگر، حضانت اطفال تا سن هفت سالگی به مادر واگذار شده پس از آن در صورت بروز اختلاف، با رعایت مصلحت کودک، با نظر دادگاه تعیین می شود.

قوانین حضانت در بسیاری از موارد نسبت به مادر تبعیض آمیز هستند؛ برای نمونه،

ماده 1168 قانون مدنی، «حضانت» [به معنای پرورش و نگه داری و تربیت جسمی و روحی کودک] هم حق و هم تکلیف والدین است. در صورت جدایی پدر و مادر از یک دیگر، حضانت اطفال تا سن هفت سالگی به مادر واگذار شده پس از آن در صورت بروز اختلاف، با رعایت مصلحت کودک، با نظر دادگاه تعیین می شود.

حتی اگر حضانت کودک پس از جدایی به مادر واگذار شود، چنان چه مادر ازدواج کند، حضانتش را از دست می‌دهد. این در حالی است که چنین محدودیتی برای پدر وجود نداشته و ازدواج مجدد پدر باعث از بین رفتن حق حضانت وی نمی‌شود.

اما «قیمومت» [که مربوط به مسایل مالی و حقوقی کودک می‌شود] تنها برعهده پدر یا جد پدری است. در نتیجه، حتی در مواقعی که حضانت فرزند به مادر واگذار می‌شود، قیمومت همچنان با پدریادپدری خواهد بود. زنان همچنین در بسیاری از موارد از سهم الارث کم تری نسبت به مردان برخوردار هستند. مطابق ماده ۹۴۹ قانون مدنی، در صورت نبودن هیچ وارث دیگر به غیر از زوج یا زوجه، شوهر تمام ترکه زن متوفاه خود را می‌برد اما زن فقط نصیب خود را: «بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود.»

ماده ۹۱۳ قانون مدنی هم تاکید می‌کند: «در تمام صور مذکوره در این مبحث، هر یک از زوجین که زنده باشد، فرض خود را می‌برد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد و از ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد داشته باشد و از ربع ترکه برای زوجه و مابقی ترکه بر طبق مقررات مواد قبل مابین سایر ورثات تقسیم می‌شود.»

ماده ۹۰۷ قانون مدنی هم می‌گوید: «اگر متوفی ابوبین نداشته و یک یا چند نفر اولاد داشته باشد، ترکه به طریق ذیل تقسیم می‌شود: اگر فرزند منحصر به یکی باشد، خواه پسر خواه دختر، تمام ترکه به او می‌رسد. اگر اولاد متعدد باشند ولی تمام پسر یا تمام دختر، ترکه بین آن‌ها بلسویه تقسیم می‌شود. اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آن‌ها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می‌برد.»

هر چند قانون مدنی به صراحت صحبتی از چند همسری نمی‌کند اما در برخی از مواد قانون مدنی به چند همسری اشاره شده است؛ به عنوان مثال، ماده ۹۴۲ قانون مدنی عنوان می‌کند: «در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد، بین همه آنان بلسویه تقسیم می‌شود.»

مطابق قانون مجازات اسلامی، سن مسوولیت کیفری ۹ سال تمام قمری (برابر با ۸ سال و ۹ ماه شمسی) برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری (برابر با ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی) برای پسران است. این مساله به ویژه با توجه به این که مجازات برخی از

جرایم در قانون مجازات اسلامی مرگ است، مخالف تعهدات بین المللی دولت ایران و به ویژه «کنوانسیون حقوق کودک» است.

«دیه» [خون بها] عبارت از مالی است که در جرایم بر نفس یا عضو غیر عمدی و یا جرایم عمدی که امکان اجرای قصاص وجود ندارد، به مجنی علیه یا اولیا دم مجنی علیه (در صورت فوت مجنی علیه) داده می‌شود. مطابق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد. در آن صورت، دیه زن نصف دیه مرد است.

تبعیض در میزان دیه زن و مرد گاه نیز می‌تواند مشکلاتی را در اجرای قصاص فراهم سازد. ماده ۳۸۲ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: «هرگاه زن مسلمانی عمدا کشته شود، حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل مرد مسلمان باشد [از آن جا که دیه وی دو برابر دیه مقتول است] ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد. در نتیجه، چنان چه خانواده مقتول توانایی پرداخت مابه التفاوت دیه را نداشته باشند، اجرای قصاص ممکن نخواهد شد.»

«قتل ناموسی» به صراحت در قانون مجازات اسلامی به رسمیت شناخته شده و یکی از موارد سقوط مجازات قصاص برای مرد است. مطابق ماده ۶۳۰ این قانون، هر گاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آن‌ها را به قتل برساند.»

مطابق قوانین مصوب پس از ظهور انقلاب اسلامی، زنان موظف به حفظ حجاب (پوشاندن بدن و موی سر خود) در معابر و مکان‌های عمومی هستند. مطابق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، مجازات عدم رعایت حجاب در معابر و انظار عمومی، حبس از ۱۰ روز تا دو ماه و یا از ۵۰ تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی است.

قوانین فوق تنها شامل برخی از قوانین تبعیض آمیز علیه زنان است. هر چند قوانین دیگری نیز وجود دارند که با توسل بدان، زنان می‌توانند خود را از برخی قوانین تبعیض آمیز محفوظ بدارند؛ به عنوان مثال، مطابق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، زن و شوهر می‌توانند هر شرطی را که مخالف با مقتضای عقد ازدواج نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر لحاظ کنند. در نتیجه، زنان می‌توانند حقوقی را که به موجب عقد ازدواج از دست می‌دهند (به عبارت دقیق تر، برای برخورداری از آن نیازمند اجازه شوهر هستند) را در عقدنامه خود ذکر کنند. متأسفانه بسیاری از زنان از این قوانین مربوط به ازدواج و راه‌کارهای قانونی آن اطلاعی نداشته و تنها هنگامی که به مشکلی برخورد می‌کنند، متوجه نابرابری‌های حقوقی موجود می‌شوند.

البته ماده دیگری نیز در قانون مدنی وجود دارد که می‌تواند به کمک زنانی که به دلایلی اقدام به درج شروط ضمن عقد در عقدنامه خود نکرده و قادر به متقاعد کردن دادگاه در صدور حکم طلاق نیز نشده‌اند، بیاید و آن استفاده از «طلاق خلع» است. مطابق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی، در طلاق خلع، زن می‌تواند در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد، اعم از این که مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیش تر و یا کم تر از مهر باشد، طلاق بگیرد.

نکته دیگری که شاید بسیاری از افراد از آن آگاهی نداشته باشند، آن است که هر چند در قوانین ایران به طور خاص قوانینی برای حمایت از قربانیان خشونت خانگی وجود ندارد اما این قربانیان می‌توانند با توسل به قانون مجازات اسلامی (و مواد مربوط به ضرب و جرح عمدی) به پلیس مراجعه کرده و بخواهند که آن‌ها را برای معاینه و گواهی و تعیین طول درمان به پزشکی قانونی معرفی کند.

پس از مراجعه به پزشکی قانونی و اخذ طول درمان، زنان قربانی خشونت باید به مجتمع قضایی محل وقوع خشونت مراجعه کرده و شکایت خود را ثبت و مجازات شوهر را در خواست کنند. این اقدامات از آن جهت که فرد خشونت ورز را متوجه عواقب اقدامات خود می‌کند، بسیار اهمیت دارد.

زنان، از نخستین قربانیان اعمال سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و قوانین و مصوبات بغایت ارتجاعی آن‌ها بوده‌اند. این قوانین و مصوبات فزون و سطانی و و اسپرگرایانه که در شمار وحشیانه ترین قوانین ضد بشری میباشند، حق تصمیم گیری و آزادی عمل را کاملاً از زنان ایران که در معرض ستم چند لایه قرار دارند، سلب کرده و آنها را به زیردستان و بردگانی، تبدیل ساخته است. زنان باید از فرامین و دستورات شوهر، پدر، پدر بزرگ، برادر و... اطاعت کرده و بدون اجازه آنها اقدام به کاری نکنند. استخدام زنان در بسیاری از ادارات دولتی ممنوع اعلام شده و در مسائل زناشویی و خانوادگی بندهای گرانی بر پای زنان زده شده است. اصل ۲۰ قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی، عوامفریبانه اعلام میدارد که «همه افراد ملت اعم از زن یا مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

اما معنی این «برخورداری» از «حقوق انسانی، سیاسی و... با رعایت موازین اسلام» چیزی جز اسارت و بردگی زنان ایران و محروم ساختن آنها از کلیه حقوق انسانی و اجتماعی و... نمیباشد. در مورد قوانین ضد زن در جمهوری اسلامی که در حرف خود را سالوسانه پاک و منزه نشان داده و در عمل، مرتکب انواع فساد و سیه کاریها میشوند، حافظ، چه خوش میگوید:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر میکنند
چون به خلوت میرسند، آن کار دیگر میکنند
مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس
توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر میکنند

در یکسالگی #METOO نگاه ما به مقوله آزار جنسی زنان چقدر تغییر کرده است؟
فربیا مرادی پور

فعال حقوق زنان و عضو کانون دفاع از حقوق بشر در ایران



در اکتبر سال 2017 الیسا میلانو از زنان سراسر جهان خواست که تجربیات خود را از آزار جنسی با به اشتراک گذاری هشتگ #METOO بیان کنند و با این شیوه فضایی را برای محکوم کردن هر گونه آزار جنسی زنان در محیطهای مختلف ایجاد کنند. هشتگ یاد شده تبدیل به جنبشی اعتراضی در سراسر جهان شده و بارها و بارها در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده و موج پدیدآمده از آن نیز در عالم واقعی، پرونده‌های آزار جنسی افراد زیادی از جمله افراد سرشناس از سیاستمدار گرفته تا هنرمند و تهیه کننده و کارگردان سینما را برملا کرد.

هفته گذشته مجله اشپیگل به مناسبت یکساله شدن هشتگ #METOO، نتایج یک نظرسنجی در خصوص میزان فراگیری و تأثیر این هشتگ و جنبش برخواسته از آن را منتشر کرد. نظرسنجی یاد شده توسط موسسه تحقیقاتی Kanter Public و برای مجله اشپیگل در فاصله زمانی 27 سپتامبر تا 10 اکتبر 2018 و به صورت تلفنی انجام شده است و 1048 زن و مرد در این نظرسنجی شرکت کرده و به سوالات پاسخ داده اند. نتیجه این نظرسنجی در مقاله ای تحت عنوان "اکثریت مردم آلمان چالش #METOO را مفید می‌دانند" منتشر شد. نتایج این نظرسنجی میگوید که به طور کلی 66 درصد از شرکت‌کنندگان، چالش ایجاد شده و بحث‌های نشأت گرفته از آنرا- بخاطر روشن تر کردن ابعاد مسائلی که در زمینه آزار جنسی زنان وجود دارد- مثبت و

موثر تشخیص داده‌اند و تنها 26درصد مردان و 28درصد زنان اعلام کرده‌اند که اثرات این چالش را منفی ارزیابی می‌کنند و یا علاقه‌ایی به این بحث ندارند؛ و اشپیگل می نویسد که این مایه تعجب است زیرا همیشه ادعا می‌شد که این بحث صرفاً مختص به گروه ممتازی از مردم شهرهای بزرگ بوده و عموم مردم التفات خاصی به آن ندارند. البته در این نظرسنجی سوالات دیگری هم در خصوص میزان اعتقاد شخصی شرکت‌کنندگان به برابری زن و مرد و نیز تصور آنها از بهتر شدن دنیایی که در آن زنان هم به اندازه مردان قدرت داشته باشند مطرح شده است و نتیجه نهایی میزان برابری خواهی بالایی را در بین آلمانی ها و همچنین تمایل آنان به قدرت گرفتن بیشتر زنان در دنیا را نشان می‌دهد.

بررسی آماری از میزان تأثیر این جنبش در ایران صورت نگرفته است ولی سوالی که جا دارد مطرح شود این است که صرفنظر از همراهی کردن و یا نکردن مردم ایران با چالش #METOO، در یکسال گذشته چقدر موضع مردم ما نسبت به بحث آزار جنسی زنان تغییر کرده و یا آنان را به تفکر و یا بالاتر از آن به اقدام عملی واداشته است. جواب سوال یقیناً چیزی شبیه آنچه که در آلمان و برخی کشورهای اروپایی دیگر رخ داده نخواهد بود و انتظاری هم در این جهت نیست؛ ولی با توجه به رسانه‌ایی شدن مواردی از آزار جنسی زنان و دختران (و بخصوص کودکان که متأسفانه در برخی موارد منجر به قتل کودک هم شده است) در یکسال گذشته، شاید دیگر دور از انتظار نباشد که توقع داشته باشیم لااقل در بین قشری از جامعه که در فضای مجازی فعال هستند و به صورت مرتب شبکه‌های اجتماعی را دنبال می‌کنند شاهد واکنشی در دنیای واقعی و نه مجازی باشیم.

شایعه‌ای که در هفته گذشته مبنی بر احتمال تجاوز به کودکی به نام دنیا ویسی - دختر بچه‌ایی که ابتدا خبر فوت وی در زیر آوار دیوار مدرسه‌ایی در یکی از روستاهای استان کردستان منتشر شد و بعد به نقل از برخی خبرنگاران محلی شایعاتی در خصوص تجاوز و قتل وی نیز بالا گرفت - پخش شد و واکنشی که نسبت به این شایعه در فضای مجازی قوی‌تر و پرنرنگ‌تر از همه شکل گرفت، از عدم بهبود چشمگیر

موضع مردم ما نسبت به آزار جنسی زنان در جامعه خبر می‌دهد. وقتی هنوز صحبت از آن است که "لطفاً تا اثبات نشدن تجاوز در پزشکی قانونی از انتشار خبر آن خودداری کنید و به ابروی خانواده متوفی فکر کنید"، یعنی هنوز هم جامعه ما گرفتار این کج‌فهمی است که فردی که مورد تجاوز قرار گرفته بی‌آبرو شده و از اینرو جهت حفظ آبرو و اعتبار و حرمت خود فرد و خانواده و اقوام وی بهتر است که خبری در مورد تجاوز منتشر نشود و لااقل تا تایید پزشکی قانونی، رحم کرده و نشر این بی‌آبرویی را به تأخیر بیندازید! کوشش برای عدم نشر اخبار کذب و یا شبهه‌دار قابل درک، پذیرفتنی و کاملاً درست و اخلاقی است ولی آنچه که در این مورد آزردهنده است، اصرار بر ارتباط دادن آبرو و حیثیت خانواده فرد قربانی به ظلمی که غیرانسانی و غیراخلاقی بر او وارد شده است، می‌باشد.

وقتی در همین فضای مجازی- که تصور می‌شود چندان سنخیتی هم با فضای واقعی کشورمان ندارد و به بیانی فرهیخته‌تر می‌نماید- در جواب این سوال که "آیا در یکسال گذشته مواردی از آزار جنسی را زبان زنان خانواده خود شنیده‌اید؟" پاسخ‌ها قاطعانه "نه" هستند و یا بدتر از آن "نه خوشبختانه در خانواده ما موردی از آزار برای زنان یا دختران رخ نداده است"، پی می‌بریم که چه میزان در زمینه آگاهی‌بخشی به جامعه در مورد ابعاد آزارهای جنسی و نیز فرهنگ‌سازی برای جامعه - که جای مجرم و قربانی را عوض نکند - کمبود داریم و بایستی برای آن به صورت مستمر تلاش کنیم.

آزار جنسی مختص به هیچ گروه، طبقه، سن، قوم، جغرافیا، فرهنگ و رده اجتماعی نیست و از طرفی محدود به تجاوز جنسی هم نبوده و همه ما تجربه آنرا در محیطهای مختلف داشته‌ایم. این خشونت عریان علیه ما کاسته نمی‌شود مگر اینکه خود ما به عنوان قربانیان آن اعلام کنیم که "من هم" تجربه ناخوشایند و آزردهنده لمس ناخواسته در اماکن عمومی، شنیدن شوخی‌های جنسی، دریافت پیشنهادات بی‌شرمانه از مردهای اطراف -از همکار و همکلاسی گرفته تا فروشندگان مغازه‌ها- آزار خیابانی و متلک و نگاه‌های سنگین اطرفیان را بارها و بارها داشته‌ام. بار تغییر نگاه غلط جامعه به مقوله تجاوز و آزار جنسی زنان اول از همه بر دوش ما یعنی زنان جامعه است که قربانی هرروزه آنیم. این ما هستیم که نباید اجازه بدهیم با نگاه سراسر غلط "قربانی خود مقصر اصلی است" یکبار دیگر قربانی شویم./

**ادیان و همجنس گرایی
اصغر کامروا**



در ادیان ابراهیمی هم واژه در کتاب ها و سخنان نشان همجنسگرایی را مورد نکوهش و سر کوب قرار داده اند. و اسلام که نیز ریشه در ادیان ابراهیمی دارد نیز در کتاب و در احکام خود از آن احکام پیروی نموده است. بطور مثال در آیات نساء(59) ، (۲۲) روم)، نمل (۵۵)، عراف(81)، عنکبوت(

28 تا 34) نهی شدید قرآن از همجنس گرایی است. الله در قرآن از دو قوم قدرتمند و غنی به نام های "قوم لوط" و "اصحاب الرس" یاد کرده.(آن طور محمد در قرآن میگوید) این دو قوم که به رقم برخورداری از ثروت و قدرت و اسایش و آرامش در زندگی، از یک سو به بت پرستی و تکذیب نبی خود روی آوردند و از سوی و از سوی دیگر به عمل شنیع همجنس گرایی پرداختند و هر دو قوم با عذاب الهی به طور کلی نابود شده اند. (از امام صادق نقل شده است) زنانی بر امام صادق وارد شدند و زنی از آنان از همجنس بازی (همجنس گرایی) زنان سوال کرد و امام صادق فرمود حد آن زنا است. زنی گفت: در قرآن سخنی از همجنس بازی "همجنس گرایی" آمده است؟ امام صادق فرمود: اری اصحاب رس به این فساد گرفتار شدند .

**دقت شود در این نقل ضمن بیان ردیلت قرآن
و محمد تصریح شده که منشا آن مذہب و
قرآن و الله است**

دیدگاه مسیحیت در مورد همجنس گرایی را می توان در این سه لغت خلاصه کرد: عملی است گناه آلود! تمام فرقه های اصلی مسیحیت چنین موضوعی دارند. همجنس

گرایی هم در عهدجدید و هم در عهدعتیق محکوم شده است. توماس آکویناس که او را از برجسته ترین استاد قرون وسطی می دانند. چنین عملی را "شرارتی نفسانی، حیوانی و وحشیانه" خوانده است. تا آغاز انقلاب جنسی در دهه 1960، تمام فرقه های مهم مسیحیت همین دیدگاه واحد را در مورد مسأله ی همجنس گرایی داشتند.

به علاوه، کشورهای مسیحی نیز در خصوص همجنس گرایی چنین موضع واحدی در پیش گرفته بودند. به عنوان مثال همجنس گرایی تا سال 1967 در انگلیس غیرقانونی بود. این کار در کشورهای اروپایی نظیر آلمان تا دهه 1970 غیرقانونی بود و تا همین اواخر در اکثر کشورهای کاتولیکی آمریکای لاتین پیگرد قانونی داشت.

در اعتقادنامه کلیسای کاتولیک رم آمده است: "اعمال همجنس گرایانه خلاف قانون طبیعت است و به هیچ وجه نمی توان چنین اعمالی را پذیرفت." (گویند که) اگر فرد همجنس گرا نه فقط از این گناه بخصوص، بلکه از تمام دیگر گناهان خود توبه کند و عیسی مسیح را به عنوان خداوند زندگی خود بپذیرد، طبیعی است که تمام گناهانش آمرزیده خواهد شد.

**سفره کارگر خالی ست
سحر باباسجلی**



نقش کارگری اصطلاحی گسترده برای یک حرکت جمعی از سوی کارگران برای ایجاد تشکل های کارگری و گرفتن حقوق خود از کارفرمایان و دولت است. این حرکت می تواند باعث ایجاد یک دولت کارگری نیز شود. گسترش روزافزون اعتصابات کارگری و تشدید خیزش های خیابانی کارگران، به ویژه در ماه های پاییز و سپس زمستان سال 57، نیاز به برنامه ریزی و سازمان دهی این مبارزات را مشغله روز

عده ای از کارگران کرد. برای این کار، تجارب و سنت های پیشین به صورت الگوهایی حاضر و آماده ای در مقابل چشم افراد قرار می گرفتند. همانطور که یک روز بخصوص در جهان به نام روز جهانی کارگر در دنیا وجود دارد، همه قشر از مردم با گرمی داشت این روز به استقبال روز کارگر می روند. متأسفانه در ایران طبقه ی کارگران از هیچ حق و حقوقی برخوردار نیستند، دولت دیکتاتوری جمهوری اسلامی ایران با استثمار این طبقه ستمدیده، اعم از زن و مرد سعی دارد با فشار مضاعف و طاقت فرسا عرصه را بر آنان تنگ تر سازد. کارگران چه بسا ماه ها حقوق ناچیز دریافت می کنند و در اعتراض به بدبختی ترین مطالبات که دریافت حقوق معوقه شان است محرومند. در این آشفته بازار گرانی و فقر عده کثیری از کارگران عرصه را بر کارگران تنگ کرده است. دولت به اعصابیات کامیون داران، کارگران، معلمان و ... وقعی نمی گذارد و هیچ اقدامی در جهت بهبود زندگی این قشر زحمت کش جامعه نمی کند. سفره کارگران هر روز خالی تر می شود و کودکانشان با شکم های خالی سر بر بالین می گذارند. چه کسی پاسخ گوی اینهمه ظلم و ستم و بی تفاوتی هاست؟

چگونه است که آقازاده ها در خارج از کشور به تفریح و خوش گذرانی می پردازند. پول های کلان را اختلاس می کنند و بر دارای هایشان در بانک های اروپایی افزوده می شود. اما جواب اعتراض کارگر زحمت کش شلاق و شکنجه و زندان و باتوم است. این زالو صفتان قریب به 40 سال است که با مکیدن خون مردم و کارگران، کشور را تبدیل به ویرانه ای کرده اند. خبرهای ناگوار نشان از فشار و مشکلاتی ست که گریبان کارگران را گرفته است. کارگرانی که در استیصال از حل مشکلاتشان خود را حلق آویز می کنند و به زندگی خود پایان می دهند. چه کسی پاسخ گوی این مقدار رذالت و بی عدالتی ست؟ تا کی باید شاهد این نابرابری ها و ستم باشیم؟ تنها راه پایان دادن به کارنامه ی سیاه و خونین جمهوری اسلامی و نجات از دیکتاتوری حکومت ایران، اتحاد و همبستگی همه مردم، همه کارگران، معلمان، دانشجویان و ... است. /

بر سازمان رہائی زن پیوندید

نشریه را به دوستان خود معرفی کنید

واضع و روشن بیان کنم که زندگی را که اکثر ما زنان افغانستانی تجربه می کنیم خوشبختی نیست بلکه بردگی داوطلبانه است. به طور مثال گذاشتن عکس های خودم در شبکه های اجتماعی نه نشان روشن فکری است نه نشان کهنه فکری از دیدگاه من هر کسی باید خودش حق انتخاب داشته باشد نه اینکه چیزی به او تحمیل گردد که متأسفانه اکثر زنان افغانستان حق انتخاب برای معرفی خود و یا هوییشان را ندارند. من به عنوان یک دختر از نسل جوان هر روز مسایل اجتماعی را بررسی و نقد می کنم و به نظر من این کار در قدم اول برای رشد منطق خودم مفید است. اگر شما در ذهن آرزوی داشتن آزادی را دارید برای بدست آوردن آن باید سخت مبارزه کنید نه تنها کتاب زنان مبارز دنیا را بخوانید. فرق نمیکند میدان مبارزه کجا باشد حتی اگر از همان آشپزخانه تان هم که شروع کنید خودش یک شروع هدف مند است. برای مبارزه لازم نیست به مکان خاصی بروی و یا لباس خاصی بپوشی در محیط سنتی مانند افغانستان حتی اگر زیر چادری هم می شود مبارزه کرد پس از تلاش برای آزادی دست نکش. پدیده ی حسادت زن به هم جنس خودش یک قدم به سوی تباهی به سوی خودش و آزادی هایش است.

در جامعه ی مدرن غربی زندگی می کند و با رقابت های ناسالم با دیگر زنان دختر خود را که همان سکینه باشد تشویق به پیروی از این سنت ها و رقابت های بیجا در این سوی آنها می کند. ناهید می گوید تعداد درخواست نشر ویدیوها ها از سوی مخاطبان روز به روز افزایش مییابد و جوانانی که از سنت های بیجا به تنگ آمده اند می گویند این ویدیو ها برای فهماندن اشتباهات نسل قبل کمک بسیار بزرگی برایشان است.

او افزود در کنار این کارکتر کارهای دیگری را نیز ارایه می کنم که سیاستمداران را افغانستان مستقیماً زیر سوال می برم به طور مثال در چند روز گذشته انتخابات پارلمانی را پشت سر گذرانیم که تعداد کاندیدای زن چشمگیر بود اما دو موضوع در این میان مطرح بود یک مردانی که از حضور زنان در مبارزات انتخاباتی شاک می بودند و شعار های را نشر می کردند که گویا زنان به زور آرایش و زیبایی همچنان با کمک تکنولوژی فوتوشاپ برای جمع آوری آرا کردند و موضوع دوم آکادمی بودن کاندیدای زن برای پارلمان است که هر دو این موضوع را در یک ویدیو به نقد کشاندم و همچنان به مهم ترین مساله در افغانستان که فساد است و موجب می شود که شایسته سالاران به حاشیه رانده شوند.

از ناهید پرسیدم در خانواده ات طنز هایت را چگونه ارزیابی می کنند؟

پدرم مشوق و طرفدار سر سخت کلیپ های مادر سکینه است او تاکید دارد "که من باید به خود باورمند باشم و مسیری را که انتخاب کرده ام را بپیامیم چرا که در هر صورت مردم پشت سرت حرف می زنند پس بهتر است تو کاری را که دوست داری و هدفی را که به ان فکر کرده یی را پیش ببری.

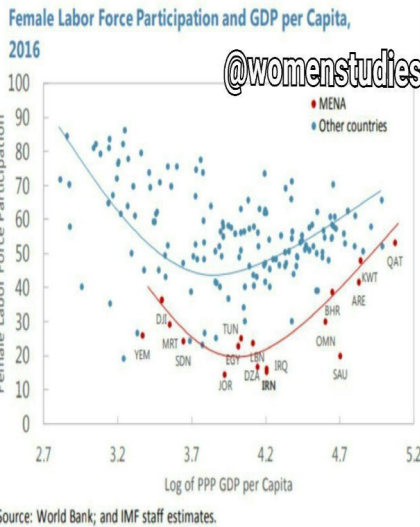
شخصیت من طوری است که زیاد به گپ بیهوده دیگران اهمیت نمیدهم. برای همین کوشش میکنم تا اول با زبان خوش آنها را بفهمانم اما اگر در دنیای فکری سیاه طالبان غرق هستند دیگر گناه خودشان است. اما هرگز هم از یک زن فقط بخاطر زن بودن اش حمایت نمیکنم چونکه با این کار عیب کار و یا طرز فکر تعدادی از زنان پوشیده می شود به نظر من زنی که غیر انسانی فکر می کند و حقوق دیگر انسان ها را نقض می کند قابل نقد شدن است. به همین منوال تعدادی از زنان در صدد تخریب من در شبکه های اجتماعی هستند. پیام من بیشتر برای زنان است که برایشان

از کودکی به بازیگری علاقه ی شدیدی داشتم اما از جایی که فساد در تمام عرصه ها در افغانستان رخنه کرده دنیای سینما و تیاتر را هم دربر گرفته است.

وقتی هرات بودم بعضی از دوستان دوران مکثیم "مدرسه ام" مرا تشویق می کردند که در عرصه هنر بازیگری قدم بگذارم و من هم درخواست کردم که در رادیو تلوزیون هرات یا تیاتر نقش بازی کنم اما کسی جدی نگرفت و درخواستم بی پاسخ مان بعد ها فهمیدم که در افغانستان اگر میخواهی توالیت هم بروی باید واسطه داشته باشی وگرنه باید با درد کلیه دست و پنجه نرم کنی.

از وقتی که به آلمان آمدم به فکر این که می شود از طریق طنز افکار نادرست زنان در مقابل خود و یکدیگر را نقد کرد افتادم اما به اینکه باید مطالب و دیالوگ های طنز های تصویری ام قوی و کارساز باشد. خیلی فکر کردم و حساسیت خاصی در مقابل کارهایم داشتم تصمیم داشتم تحت نظر یک فرد حرفه یی باشم و کارهای خود را تهیه کنم در اوایل ویدیو های خود را برای چند تن از دوستانم می فرستادم چون فکر میکردم کارهایم خیلی حرفه یی نیست غافل از اینکه دوستانم محتوی ویدیوها را پسندیده و پای این تصاویر بدون اجازه ی خودم به دنیای مجازی باز شد. سخت ناراحت شدم چون از نظر خودم پلان هایم خراب شد و از سوی دیگر به این موضوع از بعد افکار سنتی جامعه" می توانیم ویدیو هایش را نشر کنیم

چون دختر است به عنوان جنس ضعیفه هیچ کاری از دستش ساخته نیست" نگاه کردم با پلیس آلمان تماس گرفتم چون کارهایم بدون رضایت نشر شده بود. زمانی که پلیس آلمان از این موضوع مطلع شد جریان را پیگیری کرد اما نتوانست دقیقاً شخصی که برای اولین بار ویدیوی من را به دیگران ارسال کرده و یا در صفحات اجتماعی نشر کرده را پیدا کند اما از این که دختری از یک جامعه ی سنتی توانسته به خود جرات بدهد و چنین کارهای را ثبت کند ابراز خرسندی کرد. اکثر کسانی که ویدیو را دیده بودند شروع به جستجوی من در شبکه ی اجتماعی فیسبوک کردند تعدادی راضی و اما تعدادی سخت عصبانی و ناراحت. روز به روز به تعداد درخواست دوستی در شبکه های اجتماعی ام بیشتر شد و ناهید به مادر سکینه معروف شد. از ناهید پرسیدم شخصیت مادر سکینه در طنز هایت چگونه است؟ شخصیتی که من در بعضی از طنز هایم از آن استفاده می کنم زنیست بسیار سنتی با افکاری عقب مانده که



شکاف جنسیتی در بازار کار خاورمیانه

نویسنده: "توح مشارکت زنان در بازار کار"، ایران، عراق و اردن در نقطه بینیم خاورمیانه (قوم) قرار دارند.

ای مرد خجالت نمی کشی از خودت، نه بکش از وجدانت
 به فرزندی گرفتی ش نه برای شهوتت
 کودکی که بخاطر جدایی پدر از مادرش
 کلی زجر کشیده، ولی نمی کنه کسی باورش
 تو هم بجای اینکه مرهم درد دخترک باشی
 کاری می کنی که حتی نمیکنه هیچ حیوون وحشی
 تجاوز به دختر زن ت، پشت حربه ای بنام ازدواج
 پرده می ندازه روی کارات تا که بررسی به معراج
 بجای اینکه بگی دخترم تو باید که سختی هاتو فراموش کنی
 می بریش محضر تا که عقدش کنی!
 شب میری سراغ شو و دم از حلال و حرام میزنی
 ولی بدون اینا که تصویب می کنن
 این قوانین عصر فجری، به مشت جانین و از روی بی خردی
 من از تو انتظار دارم که به این قوانین پست تن ندی
 بهش اعتراض کنی و نکنی چاکری
 بیا بچه ها رو با کار هامون خوشحال کنیم
 نه اینکه قوانین ضد انسانی رو علیه شون تنظیم کنیم



نام شعر: ازدواج با دختر خوانده

سروده ای از: مهراڻ رضائي
 گيوي

من زاده شدم تو به جامعه ی مريض
 که همه می گن واسه حفظ نظام چاره
 ای نیست، فقط خون بریز
 همه به فکر خود و خود تو به فکر
 هرزگی

دارن حلال می کن هرزگی رو با تصویب قوانین ضد زن
 تصویب شد و از کسی در نمیداد هیچ صدا
 قانونی که اسم شو گذاشتن حق ازدواج
 ازدواج باکی؟ آخه پست فطرت با دخترت
 د لامصب از خون ت نیست ولی هست دخترت
 دختری معصوم با چشمای نگران
 شب استرس داره سراغ ش نیاد باباش تو خواب

INTERNATIONALER TAG GEGEN GEWALT AN FRAUEN

Wir wollen an diesem Tag den hiesigen Diskurs über Gewalt gegen Frauen in die Gesellschaft tragen und die noch immer vorherrschende Ungleichbehandlung zum Ausdruck bringen.
 Frauen sind betroffen von häuslicher Gewalt, Zwangsheirat, sexueller Belästigung, Sextourismus und Zwangsprostitution, sexuellem Missbrauch, Ehrenmorden und Femiziden, weiblicher Armut, Säureanschlägen...
 Wir rufen alle dazu auf gemeinsam mit uns auf die Straße zu gehen. Wir tun dies gemeinsam mit Frauen aus aller Welt, seien es spanische Frauen im Kampf für eine gerechtere Ahndung von sexueller Gewalt, Frauen aus der Türkei gegen Erdogans patriarchalische Herrschaft und Kinderehen oder Frauen in Rojava, die bewaffnet gegen das Patriarchat kämpfen.
 Wir sind solidarisch mit den kurdischen Ezidinnen, die versklavt und vernichtet werden sollten und trotzdem gegen den IS und für ihre Würde kämpfen. Denn gemeinsam sind wir stark.
 Lasst uns laut sein und zusammen für eine Welt kämpfen, in der alle Menschen ohne Angst und Diskriminierung miteinander leben können!

25. NOVEMBER



Internationaler Tag gegen Gewalt an Frauen

روز جهانی منع خشونت بر زنان

شنبه 24 نوامبر 2018
 آدرس: روته بوهل پلاتزدر اشتوتگارت
 از ساعت 16

Internationaler Tag gegen Gewalt an Frauen

Samstag 24. November
 2018 Rotebühlplatz in
 Stuttgart 16.00 Uhr
 Infotische 17.00 Uhr
 Kundgebung 18.00 Uhr
 Demonstration

kämpferisch - international -
 solidarisch

FRAUENBÜNDNIS STUTT GART

FRAUENBÜNDNIS STUTT GART

kämpferisch - international - solidarisch

ADHK (Demokratische Frauenbewegung in Europa), FAU
 Stuttgart, Frauenkollektiv Stuttgart, Frauenverband Courage e.V.,
 HDK-A Stuttgart, MLPD, Neue Frau (Yeni Kadın), YJK-E
 (Kurdische Frauen), Rahai Zan (Iranische Organisation),
 Samstagsmütter, SKB (Bund Sozialistischer Frauen),
 Zusammen Kämpfen Stuttgart
<https://frauenbuenndnisstuttgart.wordpress.com>

Samstag 24. November 2018

Rotebühlplatz in Stuttgart
 16.00 Uhr Infotische
 17.00 Uhr Kundgebung
 18.00 Uhr Demonstration

FRAUENBÜNDNIS STUTT GART
 kämpferisch - international - solidarisch

با سپاس از ارسال مطلب برای درج در ماهنامه رهائی زن توجه شما را به نکات زیر جلب مینمایم

سیاست ماهنامه رهائی زن در قبال مقالات و مطالب دریافتی به قرار زیر است:

1. صرفا مطالب و مقالاتی برای درج در نشریه بررسی میشوند که بنحوی به مسئله بیحقوقی و مبارزات زنان و کودکان مرتبط باشد.
 2. فقط مقالات آرژینال برای انتشار پذیرفته میشوند و نویسنده متعهد میشود تا پس از انتشار نشریه، مطلب مورد نظر را در سایت ها و یا نشریه های دیگری به چاپ نرساند.
 3. انعکاس مطالب و مقالات در سایتها یا نشریات دیگر صرفا با ذکر ماخذ . نویسنده مقالات نیز شامل این تعهد می شود.
 4. از آنجا که نشریه رهائی زن مستقل و در راستای آزادی و رهائی و برابری است و برای آزادی و رهائی هر انسانی تلاش می کند. چاپ مقالاتی که تبلیغ مذهب، ملیت ، قومیت را می کند . در نشریه منتشر نخواهد شد.
 5. مقالات دریافتی نباید از یک صفحه A4 با فونت 12 کمتر باشند و نباید بیشتر از 3 صفحه باشد.
 6. مطالب و نوشتارها تنها در فرمات مایکروسافت وورد Word پذیرفته میشوند.
 7. نشریه رهائی زن بنا به تشخیص خویش مقالات و مطالب منتشره دیگر رسانه ها را با ذکر ماخذ منتشر خواهد کرد.
 8. به دلایل محدودیت صفحات نشریه، مطالب ارسالی بنا به تشخیص اولویت بندی خواهد شد و در مطالبی رسیده باقی مانده در نشریه شماره های بعدی چاپ خواهد شد.
- با سپاس از مشارکت شما در غنی بخشیدن به ماهنامه رهائی زن

مدیر مسئول نشریه

سردبیر

شراره رضائی

مینو همتی



شلاق زدن دو زن بیگناه نان آور خانواده توسط طالبان وحشی دو زن افغان. خبرگزاری صنا افغانستان

باز محمد یکی از باشندگان روستای قزل قشلاق ولایت جوزجان به آژانس خبری پژواک گفته است: «دو زنی که توسط طالبان شلاق کاری شدند، نان آور خانه اند و روزها به خاطر به دست آوردن لقمه نان حلال در بیرون از خانه کار می کنند.» او گفت این زنان به سفارش ملا امام مسجد قریه قزل قشلاق، از سوی طالبان مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. او افزود: «شوهر هر دو زن، به خاطر ناامنی و بیکاری در ولسوالی درزاب، سال گذشته روانه ایران شدند و تاکنون از آن ها احوالی در دست نیست.»



مرگ دردناک هانیه و فاطمه خواهران خردسال اهوازی. خبرگزاری فارس

مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی اهواز : مسئولان مهد کودک به منظور پیشگیری از شیخه به دانش آموزان محلول دارویی دادند که مصرف کنند که ممکن است مسمومیت مربوط به این دارو باشد. گفته می شود که نفس هانیه 1.5 ساله و فاطمه 5 ساله پس از مصرف دارو سنگین می شود و در بیمارستان جان خود را از دست می دهند. در روزهای گذشته خبری مبنی بر تعطیلی سه داروخانه به دلیل ارائه داروهای تاریخ مصرف گذشته در خوزستان منتشر شده بود.



دختر معترض به حجاب اجباری در میدان انقلاب بازداشت شد. رادیو فردا

گزارش های منتشره در شبکه های اجتماعی حاکی است یک زن جوان که روز دوشنبه هفتم آبان اقدام به برداشتن روسری خود در میدان انقلاب کرده بود، توسط نیروی انتظامی بازداشت شد. بر اساس فیلم های منتشر شده، یک زن جوان در حالی که روسری خود را برداشته و تعدادی بادکنک رنگی در دست دارد در وسط نماد گنبدی شکل میدان انقلاب برای دقایقی ایستاده و روسری خود و این بادکنک ها را تکان می داد. دقایقی بعد اما یک مامور نیروی انتظامی از این زن می خواهد که پایین بیاید و همراه او به کلانتری برود. در فیلم های منتشره، برخی از حاضران با سر دادن فریاد این زن را تشویق می کنند. گزارشی درباره هویت این زن و وضعیت وی پس از بازداشت منتشر نشده است. #دختر_میدان_انقلاب

خدمات جنسی به عراقی ها در مشهد" و کیفی خواست برای شرق و شهروند

خبرگزاری ایسنا به نقل از اظهارات قانعی رئیس اتحادیه هتل داران خراسان رضوی نوشته است: «در شهرهایی مثل مشهد و قم که زائرپذیر هستند، مراوده و مراجعه افراد غیرایرانی به خصوص عرب های عراق خیلی بیشتر مشهود است و حالا با مطرح شدن موضوع ازدواج موقت باید بیشتر مراقب باشیم.»



در گزارش روزنامه های شرق و شهروند از وجود ۶۰۰۰ خانهمسافر در مشهد سخن رفته که برای ارائه خدمات جنسی زنان ایرانی به گردشگران عراقی راه اندازی شده اند. رئیس اتحادیه هتل داران استان خراسان رضوی گفته است که تعداد خانهمسافرها در این استان بیش از هفت هزار واحد است و تنها ۶۰۰ خانه مجوز قانونی دارند. باید یادآور شد که سه سال پیش نیز روزنامه "گاردین" گزارش مشابهی درباره پدیده "سکس توریزم" در شهر زیارتی مشهد منتشر کرده بود. از دی ماه سال گذشته تا کنون "ورود گردشگر از عراق ۹۰ درصد رشد داشته و سفر آذربایجانی ها به ایران هم ۷۰ درصد بیشتر شده است. افغان ها نیز ۴۰ درصد بیشتر به ایران سفر کرده اند." "ایسنا" به نقل از گزارش شهروند به پدیده ارائه خدمات جنسی زنان ایرانی به عراقی ها در مشهد و منطقه آزاد اروند اشاره کرده است.

عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران مدیران مسئول روزنامه های شرق و شهروند را متهم به عبور از "خطوط قرمز" مطبوعات در ایران کرد. سایت "خبرآنلاین" روز چهارشنبه ۲۴ مهر خبر از صدور کیفی خواست برای مدیران این دو روزنامه داده است.

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می

توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.de/>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.de/>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv/>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

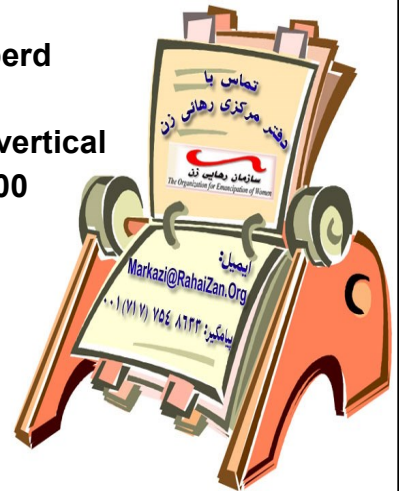
تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "تت برد" هر هفته

دو شنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به

وقت تهران می توانید پهنده تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd
HoT BIRD
Frequency 11541 vertical
Symbol Rate: 22000
Pol V
FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: verya.1360@gmail.com

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 004915226282583

ایمیل: Shararehzaei.p@googlemail.com